



# مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

احمد یوسفی صادق‌قلو<sup>۱</sup>  
کتایون فرشید فر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

## چکیده

بدیهی است هیچ فرد یا نهادی را گریز گاهی برای فرار از وقایع حقوقی و پاسخگویی نسبت به جبران خساراتی که خواسته یا ناخواسته، به عمد یا غیر آن وارد می‌شود نیست و همه نظام‌های حقوقی ساز و کارهایی را در قوانین خود برای جبران ضرر و زیان‌های وارده ذیل نظام مسئولیت مدنی طراحی کرده‌اند. شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد حوزه عمومی در روند انجام وظایف خود ممکن است ضرر و زیانی به بار آورند. در ایران به موجب قانون مسئولیت مدنی اصل اولیه، مسئولیت مدنی شخصی کارمند شهرداری خواهد بود نه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی. در حقوق انگلستان اگر مأمور شهرداری بی آنکه در حال ارایه یک خدمت عمومی یا انجام وظیفه خود باشد، به دیگری زیان وارد کند، شخصا مسئول است، زیرا هیچ رابطه‌ای میان ضرر و عمل اداری برقرار نمی‌گردد و در نظام حقوقی فرانسه نیز خطای اداری از تقصیر شخصی تفکیک شده است و هم چنین این امکان وجود دارد که چنانچه بتوان رابطه تبعیت میان شهرداری و کارمندان شهرداری را اثبات کرد می‌توان نهاد شهرداری را نیز در صورت بروز خسارت مسئول دانست. در حالی که در قوانین ایران و انگلستان چنین امکانی وجود ندارد و به عبارت دیگر به صراحت در خصوص مسئولیت مدنی متبوع از تابع چیزی گفته نشده است. در نتیجه به نظر می‌رسد از آنجایی که معمولا رابطه تبعیت در شهرداری در بسیاری از موارد خسارات ناشی از عمل کارمندان شهرداری وجود دارد قانون مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در فرانسه به عدالت نزدیکتر از ایران و انگلستان است.

## کلید واژه‌ها

مسئولیت مدنی، شهرداری، قانون انگلستان، ایران، فرانسه.

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول): a\_yousefi\_2005@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانش آموخته حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

katayoun.farshidfar@yahoo.com

## ۱-۱ طرح اصلی مساله

قواعد ومقررات موضوعه مجموعه‌ای از اوامر ونواهی است که نظام حقوقی هر جامعه از جمله نظام حقوق شهری را می‌سازد. قواعد مربوط به مسئولیت مدنی نیز از این قاعده مستثنی نیست و بدیهی است پس از ورود زیان اعاده آن به حالت سابق نوعی عدالت است. از سوی دیگر باید توجه داشت تنوع متون قانونی می‌تواند موجب ابهام در قوانین و مقررات حاکم بر حقوق شهری و قانون شهرداری شود و هنگامی که متون قانونی حقوق شهری دچار ابهام وچندگانگی و ناهماهنگی باشد نظام مدیریت شهری واجتماعی جامعه نمی‌تواند انتظار کارآیی مطلوب از نظام حقوق شهری را داشته باشد. امروز این فکر که اشخاص حقوقی حقوق عمومی از آن جهت که فعالیت آنها در جهت مراعات نفع عموم است مسئولیتی نداشته باشند مردود است و جایگاهی در حقوق پیشرفته کنونی ندارد.

در علم حقوق در کلیات بحث، هیچ کس در مقابل دیگری مسئول شناخته نمی‌شود، اما با ورود ضرر و زیان، اصل مسئولیت برای تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی ثابت و مسلم شناخته می‌شود. نبود مسئولیت در قبال بروز ضرر و زیان، نیازمند وجود ادله اثباتی است. شهرداری در اجرای وظایف کلی و ویژه خود ممکن است، گونه‌هایی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشد. اقداماتی که در عرصه‌هایی چون اجرای قوانین و مقررات مسئولیت‌های ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه ممکن است موجب مسئولیت برای شهرداری باشد.

مسئولیت مدنی شهرداری‌ها بر مبنای ماده ۱۱ قانون مسوولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ است که مطابق آن، خسارت ممکن است محصول تقصیر شخصی کارمندان یا خطای اداری شهرداری باشد و ورود خسارت به اجتماع تقصیر شخصی کارمندان یا خطای اداری شهرداری باشد. آثار هر یک از حالت‌های فوق متفاوت است. به حکم ماده مرقوم در تقصیر شخصی، کارمند شهرداری از مال خود مکلف به جبران خسارت است و در خطای اداری حکم به مسوولیت شهرداری داده می‌شود و به هنگامی که خسارت حاصل تقصیر شخصی و خطای اداری باشد قاعده تضامن اداری کارمند نیز موجب مسئولیت می‌شود. از نظر تحقق مسئولیت نیز وجود شرایط عمومی تحقق مسئولیت مدنی ضرورت دارد علاوه بر آن کارمند بودن عامل ورود زیان و وجود تقصیر، آن هم در معنای خاص خودش الزامی است. همچنین شهرداری که به موجب قانون، مالک معابر و بناها و برخی از اماکن موجود در شهرها است به سبب مالکیت خود مسوول خسارات ناشی از عیب یا سد معابر و همچنین خسارات ناشی از خرابی بنا نیز می‌باشد و نهایتاً اینکه

هرچند که اقدامات شهرداری غالباً خدماتی و در جهت رفاه حال عمومی است و جنبه غیرانتفاعی دارد لکن در صورتی که در اثر عدم رعایت نکات ایمنی موجب خساراتی گردد به حکم قانون مکلف به جبران خسارات وارده به اشخاص است.

اما مواردی وجود دارد که شهرداری علی‌رغم ورود زیان، مسئول شناخته نمی‌شود که این موارد را می‌توان چنین برشمرد: قوه قاهره، تقصیر زیان‌دیده، فعل ثالث و علل موجه چون: دفاع مشروع، اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار. با توجه به ابهاماتی که در قوانین مسئولیت مدنی شهرداری وجود دارد این مقاله در صد است تا با بررسی تطبیقی نظام عام مسئولیت مدنی در نظامات حقوقی ایران، فرانسه و انگلستان خلاءهای قانونی موجود در نظام حقوقی ایران در باب مسئولیت مدنی شهرداری را تبیین نماید.

## ۱-۲ چار چوب نظری

صورت‌بندی اهداف اصلی مسئولیت مدنی در مواردی اعم از مجازات خصوصی عامل، برقراری عدالت، برقراری نظم و امنیت اجتماعی و احقاق حق زیان‌دیده متجلی می‌شود و پشتوانه نظری این اهداف نظریه‌های مرتبط با مسئولیت مدنی هستند که عبارتند از: نظریه تقصیر<sup>۱</sup>، نظریه ایجاد خطر<sup>۲</sup>، نظریه تضمین حق<sup>۳</sup> و نظریه انتساب اضرار<sup>۴</sup>. به صورت کلی و نه مطلق می‌توان فرمول زیر را برای مسولیت مدنی در نظر گرفت: فعل (یا ترک فعل) + رابطه سببیت + تقصیر + منافع مورد حمایت قانون + صدمه و ضرر = مسئولیت

در بحث حاضر یعنی مسئولیت مدنی شهرداری باید توجه داشت که در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران، شهرداری مسئول مستقیم نظارت، کنترل و هدایت توسعه فضایی شهرها در چارچوب قانون و در راستای اهداف و راهبردهای طرح‌های توسعه شهری (جامع، تفصیلی و هادی) است و نقش مهمی در انتظام و سامان‌دهی فضایی شهرها بر عهده دارد.

در این بین اهمیت تحقق و پایداری نظام مدیریت سیما و منظر شهری به‌منظور ایجاد نظم و توازن در فضاهای شهری حائز اهمیت ویژه‌ای است. عدم تحقق این مهم، موجب عدم انتظام سلسله‌مراتب فعالیت و خدمات و سرانجام عدم سازمان‌یابی فضایی درون شهرها می‌گردد. در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.

<sup>۱</sup> Fault theory

<sup>۲</sup> Danger theory

<sup>۳</sup> Right Assurance Theory

<sup>۴</sup> Damage attribution theory

مسئولین مدنی مختص اشخاص طبیعی نیست. در حال حاضر تئوری مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی من جمله شهرداری مورد پذیرش قانون ایران قرار گرفته است. ماده ۵۸۸ قانون تجارت، مواد ۳۳۱ و ۳۲۸ قانون مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، مستند قانونی مسئول شناختی شهرداری در این گونه موارد است.

در زمینه ایجاد مسئولیت مدنی باید توجه داشت صرف برقراری رابطه علیت برای جبران خسارت کافی نیست: اولاً باید ضرر مسلم باشد، ثانیاً جبران نشده باشد، ثالثاً مستقیماً از عمل مرتکب ایجاد شده باشد، رابعاً ضرر غیرقانونی باشد. (عدل، ۱۳۷۳: ۱۵۶) مسئولیت شهرداری‌ها در ایران عمدتاً در ماده ۵۵ قانون شهرداری احصا شده است. بند ۲ ماده ۵۵ قانون مذکور بیانگر وظیفه‌مندی شهرداری‌ها، در تنظیف و نگهداری و تسطیح معابر و اماکن عمومی مردم و مجاری آب‌های سطحی و فاضلاب‌های سطحی است که به‌نوعی یکی از اصلی‌ترین وظایف شهرداری‌هاست هرچند دولت هم به‌طور کلی وظیفه تأمین بهداشت و سلامت عمومی را بر عهده دارد ولی به‌طور خاص این شهرداری‌ها هستند که این وظیفه را راهبری می‌کنند. شهرداری در اجرای وظایف کلی و ویژه خود ممکن است، گونه‌هایی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشد. اقداماتی که در عرصه‌هایی چون اجرای قوانین و مقررات مسئولیت‌های ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه ممکن است موجد مسئولیت برای شهرداری باشد.

### ۱-۳ مسئولیت مدنی در قانون انگلستان

اموال اشخاص در معنای وسیع آن به وسیله قانون مسئولیت مدنی مورد حمایت و حفاظت قرار گرفته است. اشخاص در عرصه زمین خود حق دارند که به وسیله قواعد مسئولیت راجع به ایذاء و آزار<sup>۱</sup> یا پرونده علیه فلچر<sup>۲</sup> یا مسئولیت ناشی از تجاوز به عرصه دیگری<sup>۳</sup> که مورد حمایت قانون قرار گرفته است، طرح دعوا نمایند. منافع افراد در اموال شخصی به وسیله مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز به اموال غیر منقول<sup>۴</sup> و غصب<sup>۵</sup> مورد حمایت قرار گرفته است. هنگامی که لباس یا ماشینی در یک حادثه رانندگی ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی صدمه می‌بیند، زیان دیده می‌تواند برای خسارات ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی اقامه دعوی کند.

<sup>۱</sup> Tort of Nuisance.

<sup>۲</sup> Ryland's v Fletcher.

<sup>۳</sup> Tort of Trespass to Land.

<sup>۴</sup> Tort of Trespass to Goods.

<sup>۵</sup> Conversion.

## ۱-۳-۱ منافع صرف اقتصادی

حقوق مسئولیت مدنی در مورد ورود ضرر به منافع اقتصادی که ناشی از اقدام غیرقانونی خوانده است و باعث ورود ضرر به خواهان شده حمایت چندانی از زیان دیده نمی‌کند. علت محدودیت در حمایت از این منافع این است که در حقوق کامن لا بین اقدامات قانونی تجاری و اعمال غیرقانونی تجاری خط تمایزی کشیده و تعیین حدود این خط تمایز به عهده قوانین موضوعه<sup>۱</sup> گذاشته شده است. مطلب مهم دیگری که در ارتباط با مسئولیت مدنی ناشی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مربوط است به حدود مسئولیت برای بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی که باعث ورود خسارت به منافع اقتصادی شده است. این موضوع از حقوق، موضوعی است که در آن حقوق قراردادهای و حقوق مسئولیت مدنی با هم تداخل پیدا می‌کنند. در بحث مربوطه به حدود و مرزهای مسئولیت مدنی از جمله مسئولیت مدنی شهرداری‌ها این موضوع را بیشتر مورد توجه قرار خواهیم داد. حقوق انگلیس بین خسارت به منافع اقتصادی که ناشی از عوارض صدمات فیزیکی به اشخاص یا اموال است و خسارت به منافع اقتصادی صرف، تمایز قائل شده است.

یک مثال، این موضوع را روشن می‌کند. آقای الف مامور شهرداری یکی از شهرداریهای انگلستان با سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی در حال کار کردن با ماشین بیل مکانیکی است که کابل برق ورودی یک کارخانه را قطع می‌کند. کارخانه برای یک روز اجباراً تعطیل می‌شود و تولیدات آن روز ضایع می‌گردد. هرگونه توقف در تولید موادی که شروع به ساخت شده و هرگونه موادی که ضایع گردیده، به عنوان خسارت به اموال تلقی می‌شود و از طریق اقامه دعوی برای بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی قابل مطالبه است. با وجود این، هرگونه محصولی که تولید آن هنوز شروع نشده و قابلیت تولید پیدا نکرده و در نتیجه منافع آن ضایع گردیده به عنوان "خسارت صرف اقتصادی" طبقه بندی می‌شود و از طریق اقامه دعوی قابل مطالبه نیست. آیا فکر می‌کنید این تفکیک صحیح و عاقلانه است؟

## ۱-۳-۲ نقش سیاست قضایی در مسئولیت مدنی

<sup>۱</sup> Statute

حقوقدانان عادت دارند که با مفاهیمی نظیر وظیفه مراقبت و محافظت<sup>۱</sup>، بعید و غیرمستقیم بودن خسارات<sup>۲</sup> و تقصیر و غیره موضوع مسئولیت مدنی را مورد بحث و بررسی قرار دهند. هنگامی که پرونده ای با این اصطلاحات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و رأی صادر می‌شود که مسئولیتی وجود ندارد زیرا وظیفه مراقبت و محافظت وجود نداشته یا خسارت مستقیم نبوده یا تقصیری متوجه خواننده نبوده است معمولاً به عنوان مفاهیم رسمی قانونی یا اصول کلی مقبول دادگاه که بعضاً در قانون موضوعه درجه گردیده ارجاع داده می‌شود. اما آنچه که غالباً ناگفته می‌ماند دلیل و فلسفه ماورای تصمیم فوق است. هرچند که حقوقدانان باید قوانین و مقررات موضوعه را که عمده ترین بحث مسئولیت مدنی است بدانند، لیکن مفهوم و تصویر واضحی از آن تصمیم به دست نمی‌آید مگر اینکه خواننده از فلسفه این موضوعات که باعث شکل‌گیری تصمیم شده مطلع باشد.

دوباره به مثالی که در بالا ذکر شده توجه نمایید، تا بیان موضوع روش نتر شود: دادگاه حق انتخاب راه‌حل قرار دادن ضرر و زیان بر دوش مالک کارخانه را در پیش رودارد، بدین وسیله که عنوان نماید راننده بیل مکانیکی مسئول نیست یا اینکه اصولاً او را مسئول بشناسد. تصمیم دادگاه مثلاً این گونه توجیه می‌شود که راننده بیل مکانیکی نسبت به برخی از خسارات وظیفه ای نسبت به مالک نداشته یا برخی از ضرر و زیان‌های وارده بسیار بعید یا غیرمستقیم می‌باشند اما همین تصمیم را می‌توان این گونه توجیه و تفسیر کرد که دو دلیل و فلسفه در ورای آن نهفته است. دادگاه‌ها نگران مفتوح نمودن راه‌های طرح دعاوی فراوان هستند، مثل موردی که قطع کابل برق، باعث قطع جریان الکتریسیته به پنجاه کارخانه باشد. یک موضوع کاملاً مرتبط با این موضوع نقش بیمه است. غالباً خسارات ناشی از مسئولیت مدنی توسط شرکت بیمه پرداخت می‌شود. تصمیم دادگاه به عنوان یک اخطار به شرکت‌ها می‌باشد و مشخص می‌نماید که چه کسی مسئول بیمه کردن خطرات احتمالی است. ممکن است فلسفه تصمیم مذکور این باشد که به نظر دادگاه چه کسی در موقعیت مناسبتری برای بیمه کردن خطرات است.

در گذشته معمول نبوده است که قضات در موقع صدور حکم به فلسفه حکم خود اشاره‌ای داشته باشند ولی هم اکنون به طور روز افزونی تمایل بدین کار را دارند. استدلال‌های مرتبط با تجویز یا عدم تجویز طرح دعاوی در توسعه قوانین، به‌ویژه راجع به شک‌های عصبی و خسارات اقتصادی ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی در توسعه حقوق غلبه داشته است. انسان در موقع

<sup>۱</sup> Duty of Care.

<sup>۲</sup> Remoteness of damage.

مطالعه این مطالب باید این نکته را ملحوظ نظر داشته که یکی از موضوعاتی که برای اعمال قواعد حقوقی حاکم بر قضیه مهم می‌باشد نگرانی دادگاه‌ها است که مبادا مواجه با طرح دعاوی فراوان گردند یا بار مسئولیت سنگینی بردوش خواننده یا شرکت‌های بیمه‌گر بگذارند. (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۷۲)

#### ۱-۴ نقش بیمه در مسئولیت مدنی

بدون بیمه، نظام مسئولیت مدنی به سادگی فرو می‌ریزد. هنگامی که خواهان در دعاوی خود موفق می‌شود، معمولاً شرکت بیمه غرامت‌ها را پرداخت می‌کند. در مورد خسارت به اموال بیمه به دو شکل بیمه خسارت یا بیمه شخصی ایفای نقش می‌کند و در آن ضرر و زیان یا صدمات وارده به اموال در مقابل خسارات احتمالی مذکور در بیمه نامه بیمه می‌شوند، اعم از اینکه صدمه یا ضرر و زیان ناشی از تقصیر طرف دیگر باشد یا خیر.

نوع بیمه دیگر بیمه مسئولیت یا بیمه شخص ثالث است. به موجب قرارداد بیمه‌ای که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد می‌شود بیمه‌گر تعهد می‌کند که کل مبالغی را که بیمه‌گذار به عنوان غرامت مسئول پرداخت به شخص ثالث است تأدیه نماید. از سوی دیگر شخص ثالث باید مسئولیت بیمه‌گذار را نسبت به خود ثابت کند. علاوه بر موارد مذکور، در مورد صدمات بدنی یا فوت هم بیمه خسارات (بیمه شخص اول) و هم بیمه مسئولیت (بیمه شخص ثالث) مطرح می‌گردد. این گونه بیمه‌ها عبارتند از: بیمه عمر، بیمه تصادفات شخصی و بیمه سلامت دائم. در خصوص شهرداری‌ها نیز مطابق قانون آنها مکلف به بیمه کلیه کارمندان خود هستند.

حقوق انگلیس (از قرن نوزدهم) دیگر نتوانست از تقصیر که میراث این قرن بود خود را نجات دهد و تقصیر به عنوان رکنی برای بسیاری از دعاوی مدنی باقی ماند. فهم این اصل از زمان گذشته هم مشکل‌تر شد زیرا با گسترش بیمه، به دادگاه‌ها این مجال داده شد تا استاندارد تقصیر مورد نیاز را در برخی موارد گسترش دهند که باز هم از همان زبان اخلاقی مقصر و خطاکار استفاده می‌کنند. بارها ثابت شده که بسیاری از اشتباهات رانندگان ماشین‌ها که به عنوان سهل‌انگاری و بی‌مبالایی (تقصیر) طبقه‌بندی شده‌اند از نظر آماری غیرقابل اجتناب بوده‌اند. هنگامی که موضوع از این قرار باشد، استدلال اخلاقی و بازدارندگی از انجام تقصیر محدود می‌شود، هرچند به طور کامل از بین نرود. مساله بعدی با این حقیقت بروز می‌کند که محکوم به در آراء دادگاه‌ها به ندرت توسط خود خواننده پرداخت می‌شود، بلکه به وسیله شرکت‌های بیمه جبران می‌شود. آنچه اتفاق افتاده این است که تقصیر غالباً از یک حالت روانی شخصی (معیار

ذهنی) خارج شده و به یک استاندارد رفتاری مورد نظر قضایی (معیار نوعی) تبدیل گردیده است، که غرض از آن رعایت سیاست‌های قضایی است.

### ۱-۵ مسئولیت مدنی در قانون فرانسه

در حقوق مسئولیت مدنی در راستای حمایت از زبان دیده و جبران خسارات وی که مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی است تدابیری اندیشیده شده است؛ یکی از این تدابیر، گسترش مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر است. بدین توضیح که باید با پیش‌بینی تأمین لازم برای جبران کامل خسارت، وضعیت زیان دیده به زمان پیش از تحقق ضرر باز گردد. ( صفایی، رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۶۳)

در حقوق فرانسه تا سال 1991 میلادی مسئولیت‌های مدنی ناشی از عمل غیر به موارد مصرح در ماده‌ی 1384 قانون مدنی فرانسه محدود بود و به صورت مضیق تفسیر می‌شد اما با صدور تصمیمی مشهور به " بلیک<sup>۱</sup> " در حقوق این کشور نه تنها موارد مسئولیت ناشی از عمل غیر به گونه‌ای موسع تفسیر می‌شود، بلکه در کتب جدید مسئولیت مدنی از اصلی با نام " اصل مسئولیت ناشی از عمل غیر " یاد می‌شود. این نوع از مسئولیت در تألیفات جدید بر چند قسم است؛ یکی از اقسام آن " مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع است " (Viney, 1995: 294) ریشه‌ی این مسئولیت به حقوق رم باز می‌گردد.

ممکن است مشابهت این مسئولیت با مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر شائبه‌ی یکسانی این دو را موجب شود؛ این در حالی است که این نظریه فراتر از بحث مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر است. در حقوق فرانسه این مسئولیت در قسمتی از ماده‌ی 1384 قانون مدنی فرانسه آمده است: " اربابان و متبوعین در انجام وظایفی که به کارکنان خود محول ساخته‌اند، مسئولیت پرداخت خسارات ناشی از اعمال آنها را به عهده دارند. " این بند از ماده مذکور، توسط پوتیه حقوق دان فرانسوی وارد قانون مدنی فرانسه شد و به رغم اصلاحیه‌های متعدد بندهای دیگر این ماده، بند مذکور از سال ۱۸۰۴ تا کنون بدون تغییر مانده است. هر چند شیوه تفسیر ماده تغییر یافته است زیرا در گذشته تابع و متبوع فقط در بحث مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر خلاصه می‌شد، اما امروزه مصداق تابع و متبوع، صرفاً کارگر و کارفرما نیست؛ به نحوی که نه تنها در دکتربین، بلکه در رویه‌ی قضایی نیز از نظریه‌ی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع بیشتر استقبال می‌شود. به همین دلیل در کتب مسئولیت مدنی نیز مثال‌ها تغییر یافته و در رویه‌ی قضایی نیز موارد جالبی یافت می‌شود.

<sup>۱</sup> Blicek



هم چنین در پیش نویسی که برای اصلاح حقوق تعدات در دست اقدام است، مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر را در یک ماده از قانون و مسئولیت ناشی از عمل تابع را در ماده مستقل دیگری تدوین کرده‌اند. همین امر کفایت تا بتوان احساس نمود که در کنار مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، نظریه دیگری با عنوان مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق مسئولیت مدنی شکل گرفته است. این قسم از مسئولیت ناشی از عمل غیر در قوانین برخی نظام‌های حقوقی دیگر جهان، از جمله مصر<sup>۱</sup> و انگلستان<sup>۲</sup> نیز انعکاس یافته است. در حقوق ایران به رغم فقدان چنین عنوانی، مصادیقی برای مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ی طرح و گسترش این نظریه را فراهم آورد.

به‌عنوان مصادقی از این نظریه، کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسؤول جبران خسارتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده یا این که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. برخی از حقوقدانان در مقام ترجمه‌ی متون فرانسوی چنین مسؤولیتی را به مسئولیت آمر نسبت به مأمور ترجمه کرده‌اند (لوراسا، ۱۳۷۵: ۷۲) در حالی که نظریه‌ی مسئولیت متبوع به جهت عمل تابع، گسترده تر از بحث مسئولیت کارفرما به جهت فعل کارگر یا آمر نسبت به عمل مأمور است؛ در حقوق ایران این نظریه وجود ندارد، اما با توجه به قواعد عمومی امکان طرح آن وجود دارد. در خصوص شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی متولی امور شهری نیز امکان تسری این ماده به مسئولیت مدنی نیز وجود دارد.

## ۱-۶ مسئولیت مدنی در قانون انگلستان

به‌طور کلی در انگلستان می‌توان انواع مسئولیت‌های مدنی را به سه دسته تقسیم نمود: "

۱- از جمله ماده‌ی 174 قانون مدنی مصر که انعکاس رویه‌ی قضایی این کشور می‌باشد در خصوص این مسئولیت مقرر می‌دارد: متبوع مسؤول جبران ضرر ناشی از فعل نامشروع تابع خود می‌باشد؛ مشروط بر آن که فعل را در حال انجام وظیفه یا به سبب آن انجام داده باشد ۲- حتی اگر متبوع در انتخاب تابع استقلال نداشته باشد، اما بالفعل نسبت به او قدرت نظارت و هدایت داشته باشد، رابطه‌ی گماشتگی برقرار است.

۲ در حقوق انگلیس نیز مسئولیت نیابتی مطرح گردیده، اما به رابطه‌ی کارگر و کارفرما محدود است (Harp wood 2003: 315)

مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی"، "مسئولیت ناشی از عمد" و "مسئولیت بدون تقصیر" (کانوزیان، ۱۳۸۷: ۳۴۷) با این وجود بعضی حوزه‌های مسئولیت مدنی را نمی‌توان زیر مجموعه‌ی واقعی هیچ یک از سه دسته فوق قرار داد. مثلاً مسئولیت مدنی ناشی از کالاها<sup>۱</sup> را می‌توان تلفیقی از مسئولیت‌های بدون تقصیر و مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی دانست.<sup>۲</sup> یا برای مثال در حقوق انگلستان خسارات ناشی از سوانح و تصادفات رانندگی را زیر مجموعه‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی در نظر می‌گیرند حال آنکه سازگاری قواعد حاکم بر آن با مسئولیت‌های بدون تقصیر بیشتر است. البته شاید در ظاهر امر بتوان دو دسته‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی و مسئولیت‌های ناشی از عمد (در حقوق انگلستان) را در یک گروه مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر قرارداد، اما برای سهولت و دقت بیشتر در بررسی و تحلیل موضوعات، چنین تقسیم‌بندی در حقوق انگلستان و آمریکای کنونی مدنظر قرار گرفته است. البته در حقوق آمریکا، برخلاف حقوق انگلستان، این تقسیمات با صراحت بیشتری مطرح می‌شوند.<sup>۳</sup> با این وجود نظر مخالفی هم وجود دارد و برخی از حقوقدانان برجسته‌ی کامن‌لا، از جمله، اولیور وندل هولمز مسئولیت‌ها را در دودسته‌ی مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر (اعم از عمد و بی‌احتیاطی) و مسئولیت‌های بدون تقصیر بررسی نموده‌اند.

ویژگی مشترک هر سه دسته‌ی کلی مسئولیت آن است که همگی در جهت حمایت از منافع زیان دیده گام بر می‌دارند. با این وجود تفاوت‌هایی کلی بین این دسته‌ها وجود دارد: برای مثال مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی، غیرمنسجم‌ترین حوزه‌ی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و انگلستان محسوب می‌شود، در حالی که مسئولیت ناشی از عمد، منسجم‌ترین حوزه بوده و مسئولیت بدون تقصیر نیز، حد وسط این دو می‌باشد (نه هم چون بی‌احتیاطی غیر منسجم است و نه هم چون عمد، سازمان یافته و منسجم) یا مباحث مربوط به عملکرد متعارف و معقول اشخاص (یا شخص معقول و متعارف، به‌عنوان الگویی برای رعایت احتیاط و مراقبت لازم و اجتناب از ورود زیان به غیر) بیشتر در مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی مطرح می‌گردد نه مسئولیت ناشی از عمد یا بدون تقصیر. با این وصف در مسئولیت‌های بدون تقصیر و ناشی از عمد نیز می‌توان رد پای از معیار معقول و متعارف بودن را مشاهده نمود. همچنین در مسئولیت‌های

<sup>۱</sup> JohnCooke, Law of Tort, p p

<sup>۲</sup> Alan Calnan, Op cit, p ۵۲; Vivienne Harpwood, Modern Tort Law, p ۱۱

بدون تقصیر بحث "وجود تکلیف در رعایت احتیاط و مراقبت" مطرح نمی‌شود<sup>۱</sup>، در حالی که در بی‌احتیاطی "تکلیف" امری است غیرقابل اغماض و در مسئولیت‌های عمدی هم به صورت ضمنی و تلویحی وجود دارد. از دیگر تفاوت‌های موجود آن است که مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی نه هم چون مسئولیت‌های عمدی ذاتاً خطاست و نه همانند مسئولیت‌های بدون تقصیر، به دلیل مخاطره آمیز بودن، خطریا ریسک به وجود آمده، بلکه عملی است مشروع که صرفاً به دلیل بی‌دقتی و بی‌توجهی مرتکب، مسئولیت به بار آورده است. بنابراین در مسئولیت‌های ناشی از عمد و مسئولیت‌های بدون تقصیر، تکلیف یا سیاه است و یا سپید؛ در حالی که در بی‌احتیاطی تکلیف به رنگ خاکستری است و به قول کاردوزو، نیازمند بررسی فاکتورهای چندگانه‌ای چون منطق، عرف، سنن و جامعه‌شناسی<sup>۲</sup>.

## ۱-۲ مسئولیت مدنی شهرداری‌ها

در علم حقوق، در کلیات بحث، هیچ کس در مقابل دیگری مسئول شناخته نمی‌شود. اما با ورود ضرر و زیان، اصل مسئولیت برای تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی ثابت و مسلم شناخته می‌شود و نبود مسئولیت در قبال بروز ضرر و زیان، نیازمند وجود ادله اثباتی است. در گذشته این باور وجود داشته که مسئولیت دولت در برابر خسارات وارده مطلق نیست بلکه اعمال دولت بسته به نوع عمل متفاوت بوده و به هنگام بررسی باید نوع عمل را در نظر داشت. در این باب اعمال دولت را به دو بخش کلان اعمال حاکمیت و اعمال تصدی تقسیم‌بندی کرده‌اند. اعمال مربوط به حاکمیت، اعمالی است که در انجام آن دولت، قدرت مطلق و حاکم اجتماعی است که به وسیله آنها به مردم فرمان می‌دهد و با انجام عمل به دنبال یک منفعت عمومی یا مصلحت اجتماعی است. اعمال تصدی اعمالی است که قدرت سیاسی دولت به دنبال انجام یک کارکرد اجتماعی است و به دنبال اعمال حکومت بر افراد نیست و ممکن است جنبه کسب درآمد هم داشته باشد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸). طرفداران این نظریه معتقدند که دولت تنها در قبال اعمال مربوط به تصدی گرانه واجد جنبه مسئولیت است، اما در قبال اعمال حکومتی خود مسئولیتی ندارد. اما امروزه این نظریه دیگر طرفداران چندانی ندارد و مسئولیت قوه مجریه عمومیت دارد و سلب مسئولیت از دولت منجر به مواردی است که قانون معین کرده است. به

<sup>۱</sup> در انگلستان برای آنکه بی‌احتیاطی شخص، برای او مسئولیتی به بار بیاورد لازم است اولاً: شخص وارد کننده زیان نسبت به زیان دیده تکلیفی برای رعایت احتیاط و مراقبت داشته باشد. ثانیاً: با عملکردی غیرمتعارف، این تکلیف را نقض کند. ثالثاً: از نقض تکلیف مذکور، خسارتی به زیان دیده وارد آید.

<sup>۲</sup> G Edward White, Ibid

بیانی دیگر از نظر حقوقی، تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت نیستند بلکه اشخاص حقوقی هم در قبال اعمال خود مسئولند. دامنه مسئولیت دولت از دامنه مسئولیت سایر شخصیت‌های حقوقی گسترده‌تر است و هر چه میزان دامنه گسترده‌تر می‌شود، مسئولیت نیز در قبال اعمالش گسترده‌تر می‌شود (همان: ۵۹).

در رابطه با این که آیا مسئولیت شهرداری‌ها در ارتباط با وظایف آنها کارایی دارد یا خیر نیز باید گفت، یک رابطه مستقیم بین عمل (عمل مثبت و ترک فعل) وجود دارد. اصولاً در نظام حقوقی مسئولیت مدنی ایران، شهرداری نیز همانند سایر اشخاص حقوقی، در ذیل عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این باب ممکن است شهرداری در اجرای وظایف کلی و ویژه خود گونه‌هایی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشند. مثلاً ممکن است در عرصه‌هایی همچون اجرای قوانین و مقررات مسئولیت‌های ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه موجد مسئولیت برای شهرداری باشد؛ هرچند که در مقابل مواردی وجود دارد که شهرداری علی‌رغم ورود زیان، مسئول شناخته نمی‌شود که این موارد را می‌توان چنین برشمرد: تقصیر زیان دیده، فعل ثالث و علل موجه چون دفاع مشروع و اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار (ذوقیان، ۱۳۹۲: ۴۷) و در نظام حقوقی ما نیز غالباً به منظور تحقق مسئولیت مدنی، وجود ارکانی چون زیان، فعل زیانبار، رابطه سببیت و تقصیر لازم است (همان: ۴۸).

مسئولیت مدنی به دو شکل قراردادی و قهری است. مبانی مسئولیت مدنی در این باب، مبنای تقسیم ایراد خسارت است که برای اصل جبران دولتی خسارت‌ها ذکر شده است. از منظر تئوری برخی بر مسئولیت قراردادی و برخی بر مسئولیت قهری تأکید می‌کنند و اساساً وحدت عقیده در این زمینه وجود ندارد. در مسئولیت قراردادی، مبنای مسئولیت عقد و قرارداد است هرچند که ممکن است در اینجا فرض شود که عقد و قراردادی میان بزه دیدگان و دولت وجود دارد که نقص آن، دولت را مسئول جبران خسارت بزه دیدگان می‌کند. مسئولیت دولت در قبال قرارداد اجتماعی نسبت به شهروندان است که مهمترین آن تامین امنیت است و حال که در اثر قصور عمدی یا ناآگاهانه دولت بخشی از شهروندان متضرر شده‌اند. دولت باید جایگزین شهروند متخلف شود و خسارت را بپردازد.

۲-۱-۱- تعمیم جبران خسارت زیان دیده بر پایه ضمان قهری دولت به شهرداری  
در خصوص جبران خسارت زیان دیده بر پایه ضمان قهری دولت هم باید گفت که برای

ضمان قهری به طور کلی مبانی متعددی ذکر شده است که معروف‌ترین آن‌ها نظریه تقصیر خطر و تضمین حق است اما مهم‌ترین مبنا که در بحث جبران دولتی خسارت بیشتر از بقیه کارایی دارد نظریه تقصیر است؛ هرچند برخی در مجموع در خصوص زیان، ورود زیان‌های جمعی به افراد نامحصور را از نظر تصور مسئولیت مدنی برای شهرداری دشوار می‌دانند، اما به زعم ما شهرداری در این امور یک مسئولیت عام دارد (ذوقیان، ۱۳۹۲: ۴۹).

در رابطه با مسئولیت شهرداری‌ها در قانون نیز می‌توان گفت:

مسئولیت شهرداری‌ها عمدتاً در ماده ۵۵ قانون شهرداری احصا شده است. بند ۲ ماده ۵۵ قانون مذکور بیانگر وظیفه‌مندی شهرداری‌ها، در تنظیم و نگهداری و تسطیح معابر و اماکن عمومی مردم و مجاری آب‌های سطحی و فاضلاب‌های سطحی است که به نوعی یکی از اصلی‌ترین وظایف شهرداری هاست؛ هرچند دولت هم به طور کلی وظیفه تامین بهداشت و سلامت عمومی را برعهده دارد، ولی به طور خاص این شهرداری‌ها هستند که این وظیفه را راهبری می‌کنند (مدنیان، ۱۳۹۳: ۳).

در رابطه با اینکه در زمان بروز چنین خساراتی چه تفکیکی بین مسئولیت پیمانکاران و شهرداری‌ها وجود دارد، نیز باید عنوان کرد، به نظر می‌رسد در هنگام بروز چنین خساراتی چنانچه فعل مربوطه به خود پیمانکاران و طرف‌های قراردادی شهرداری انتساب یابد، این عمل به پیمانکار مربوط است و الا چنانچه این انتساب به دلایلی به شهرداری مرتبط شود، شهرداری مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. البته در برخی مواقع نیز می‌توان به وجود نوعی مسئولیت تضامنی بین پیمانکار و شهرداری قائل بود. در این حالت هر کدام از دو طرف در مقابل زیان دیده مسئول به شمار می‌آیند. البته در برخی از نظریات جدید به نوعی به مسئولیت عاقله یا دولت برای جبران پاره‌ای از زیان‌ها که نوعی مسئولیت ناشی از فعل غیر است (که با فلسفه حمایت از زیان دیده و کوتاهی عاقله از ارشاد جانی به راه راست یا ممانعت از آزار دیگران و ارتکاب جرایم توصیه شده) توجیه‌پذیر است؛ ولی چون این حمایت در موارد خاص و به صورت محدود پذیرفته شده است و به ویژه در باره مسئولیت عاقله قابل انتقاد به نظر می‌رسد، دلیل انتقال مسئولیت از عاقله به دولت یا حذف آن و برقراری مسئولیت فردی پیشنهاد شده است.

## ۲-۲ احکام خاص رجوع به شهرداری و پرسنل تحت امر آن

بخش نخست ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته: "کارمندان دولت و شهرداری‌ها و

موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد کنند شخصا مسئول جبران خسارت وارده هستند...". بموجب این مقرر، اصل اولیه، مسئولیت مدنی شخصی کارمند شهرداری خواهد بود نه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی. لذا چنین مقرره‌های توانایی لازم را جهت حمایت از زیان‌دیده ندارد. زیرا چه بسا زیان هنگفت ناشی از اقدام کارمند، بواسطه اعسار او غیرقابل جبران باقی بماند. ذکر این نکته لازم است که اثبات تقصیر کارمند نیز به دلالت عبارت "عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی" امری ضروری است؛ لذا در مواردی که پرسنل شهرداری، به مناسبت انجام وظیفه، برای مثال، بواسطه بی‌احتیاطی در رانندگی با وسایل نقلیه متعلق به شهرداری، منجر به ایراد خسارت جانی و مالی به شهروندان گردد، علی‌القاعده، راننده مزبور دارای مسئولیت جبران ضرر خواهد بود مگر در مواردی که در زیر خواهیم دید.

#### ۲-۲-۱ استثناء

بخش دوم ماده ۱۱ ق.م.م در ادامه مقرر می‌کند: "... ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است...". استثنای اخیر در واقع ناظر بر شرط وجود رابطه علیت در قواعد عمومی مسئولیت مدنی است که انتساب زیان وارده به عامل زیان را مقرر مینماید و تقصیر اداری را بعنوان مبنای می‌پذیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۷۷). هر چند پذیرش در این بخش از ماده را (ولو در مقام استثنا بر قاعده) باید گام مثبت تلقی کرد اما نظر به اینکه، تکلیف اثبات "نقص وسایل" متعلق به شهرداری را بر دوش زیان‌دیده قرار داده و امکان رجوع مستقیم به او را منوط به اثبات امر مذکور نموده محل انتقاد است زیرا با توجه به حجم و گستردگی فعالیت شهرداری‌ها، امر دشوار و طاقت فرسایی به نظر می‌رسد. این در حالی است که پیش‌بینی مسئولیت مدنی محض و بدون تقصیر شهرداری می‌تواند موجب حمایت از شهروندان و عامل بازدارنده به منظور نظارت شهرداری‌ها بر نحوه فعالیت پرسنل و نیز سلامت وسایل متعلق به خود گردد.

#### ۲-۲-۲ فقد مسئولیت در اعمال حاکمیت

بخش سوم و انتهای ماده ۱۱ ق.م.م نیز مقرر می‌دارد: "... ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی، طبق قانون به عمل آید و

موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود". در این بخش، مقنن از نظریه سنتی اعمال تصدی و حاکمیت پیروی نموده است. نخستین قانونی که در ایران به تفکیک مزبور پرداخته "قانون تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی بین اشخاص و دولت" مصوب ۱۳۰۷ است که تنها به تعریف اعمال تصدی پرداخته و آنرا اعمالی دانسته که دولت از نقطه نظر حقوق مشابه افراد انجام می‌دهد مانند خرید و فروش املاک و مستغلات و اجاره و امثال آن. حقوقدانان نیز در تعاریفی مشابه، اعمال حاکمیت را اعمالی دانسته اند که دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی و تنها برای منافع عمومی و اجتماعی بدان می‌پردازد مانند وضع قوانین، اخذ مالیات، دادرسی و...؛ اما اعمال تصدی اعمالی است که دولت نظر به شخصیت حقوقی خویش و جهت اداره و حفظ دارایی و همچون سایر افراد در روابط خصوصی انجام می‌دهد مانند بانکداری، اجاره، بیع و... (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۷۱)؛ بخش اخیر ماده ۱۱ ق.م.م نیز اقدامات شهرداری را با قیودات مذکور در آن، فاقد مسئولیت مدنی اعلام کرده است هر چند ضوابط مبهمی چون "بر حسب ضرورت" و "برای تأمین منافع اجتماعی" موجب امکان گسترش حکم به موارد بسیاری خواهد شد.

## ۲-۳ قانون مسئولیت مدنی شهرداری‌ها

مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، واژه‌ی کارمندان دولت شامل اشخاصی است که به صور گوناگون و تحت شمول کلیه‌ی مقررات و قوانین استخدامی در خدمت دولت هستند (اعم از روزمزد، پیمانی، خرید خدمتی و غیره)؛ گذشته از کارمندان دولت این ماده کارکنان شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته را که یکی از انواع مؤسسات عمومی است نیز شامل می‌گردد (پناهنده، ۱۳۸۵: ۳۶). بنابراین، به نظر برخی از حقوق دانان اگر عبارت کارمندان دولت را شامل کلیه‌ی کسانی که تحت شمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین استخدامی من جمله قانون استخدام قضات بدانیم، کلیه‌ی مستخدمین دولت من جمله قضات در صورتی که به سبب انجام وظیفه و در اثر تقصیر خود (اعم از عمد و بی احتیاطی) خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصا مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۵۵۱).

در رابطه با کاربرد واژه‌ی بی‌احتیاطی در برابر عمد نیز همان گونه که می‌دانیم، تقصیر اعم از عمد و خطاست، عناصر خطا چه در قانون ما و چه در قوانین مغرب زمین، به ویژه قانون فرانسه و سوئیس که قانون مسئولیت مدنی از آنجا اقتباس گردیده، عبارتند از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و غفلت، بی‌دقتی، عدم رعایت مقررات دولتی و عدم مهارت. به عبارت دیگر عناصر مشخص خطا

از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی عدم مهارت و عدم رعایت مقررات دولتی تشکیل می‌گردد که این عناصر از انواع مشخص و متمایز و مستقل خطا بوده و گروه خطاهای قانونی را بدون اینکه با یکدیگر مخلوط یا مشتبه شوند، تشکیل می‌دهند (پناهنده، ۱۳۸۵: ۳۶). حال اگر بنابه ظاهر این قانون مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مبانی تقصیر را شامل عمد و بی‌احتیاطی تلقی نمائیم، این امر صرف‌نظر کردن از بقیه‌ی عناصر خطا خواهد بود. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار مسامح تا واژه‌ی بی‌احتیاطی را به جای خطا در این قانون به کار برده است. بنابراین، اگر کارمند دولت در اثر تقصیر خود (از عمد و خطا) و به مناسبت انجام وظیفه خسارتی به اشخاص وارد نماید، در وهله‌ی اول مطابق ماده ۱۱ ق.م.م خود مسئولیت جبران خسارت را به عهده خواهد داشت، اما چون کارمند دولت اعتبار و حقانیت خود را از دستگاه متبوع کسب می‌نماید و به مناسبت انجام وظیفه نیز خسارت را وارد نموده، صرف مسئولیت وی، مانع اقامه‌ی دعوی زیان دیده علیه دستگاه مربوطه نخواهد بود.<sup>۱</sup>

حال اگر خسارت وارده ناشی از تقصیر (عمد و خطا) مأمور دولت نبوده بلکه مربوط به نقایص کلی ناشی از قانون‌گذاری و یا عدم سازماندهی صحیح کلی دستگاه دولتی باشد، لذا دولت ضامن خسارات وارده بوده و از بابت هزینه‌های مربوط به جبران زیان از بیت المال، امکان مراجعه به مستخدم و مأمور را نخواهد داشت و هزینه‌های مربوطه صرفاً بر عهده دولت خواهد بود (ابوالحمد، ۱۳۸۰: ۵۸۵).

در رابطه با واژه اعمال حاکمیت دولت در ماده ۱۱ ق.م.م نیز می‌توان با در نظر گرفتن اینکه در مقررات موضوعه ما تعریفی از اعمال حاکمیت به عمل نیامده (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۴)، که این امر از نقایص قانون به شمار می‌رود. این امکان وجود دارد که دولت هر عملی را در زمره‌ی اعمال حاکمیت محسوب نموده و از پرداخت خسارت به زیان‌دیده امتناع ورزد؛ به خصوص که مفهوم اعمال حاکمیت روشن نبوده و مرز دقیقی بین اعمال حاکمیت و تصدی وجود ندارد. بنابراین طبق ماده فوق، وقتی در اثر اعمال حاکمیت خسارتی به اشخاص وارد گردید، نمی‌توان به طور قطع از زیان دیده رفع زیان نموده و به عبارت دیگر دعوی زیان‌دیده در زمینه‌ی رفع خسارت از

<sup>۱</sup> البته این امر را هم می‌توان مشمول قاعده‌ی کلی در اصل سی و چهارم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است". و هم در راستای اصل مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، تبیین نمود، لذا شخص زیان دیده برای جبران خسارت وارده به خود که ناشی از اقدامات و عملیات مأمور دولت در چارچوب وظایف محوله از سوی دستگاه مربوطه است. حق مراجعه به دستگاهی را که مأمور در آن انجام وظیفه می‌نماید، خواهد داشت. ولی در این فرض امکان مراجعه دولت به مأمور خاطی پس از جبران زیان زیان‌دیده و النهایه تحمیل خسارت بر مقصر امکان پذیر خواهد بود. برای مطالعه بیشتر: ر.ک به: پناهنده، ۱۳۸۵، ص ۳۷.



خود، توسط دولت منتج به نتیجه‌ای نخواهد شد. اما در این خصوص باید یادآور شد که دولت طبق ماده فوق، مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود، هر چند که منعی در زمینه‌ی پرداخت خسارت به زیان دیده برای دولت وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد چنانچه در جریان همین اعمال حاکمیت خسارتی به شخصی وارد گردیده و زیان دیده بتواند تقصیر عمدی عامل دولت را (مأمور، مستخدم) در نقض مقررات و در جهت اضرار به خویش ثابت نماید، امکان رفع خسارت وارده طبق صدر ماده فوق، بعید و دور از انتظار نیست.<sup>۱</sup> به هر حال در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

- اولاً خسارت وارده به اشخاص به سبب اعمال دولت زمانی قابل جبران است که زیان وارده مستند به عمل دولت باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیانبار و خسارت وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد که اثبات رابطه سببیت در دعوی مسئولیت مدنی به عهده شخص متضرر از عمل زیانبار یا به عبارتی دیگر مدعی است که البته اثبات این رابطه با توجه به وضعیت زیاندیدگان از اعمال دولت تا حدی مشکل بوده و جبران زیان از زیان دیدگانی که توانایی اثبات این رابطه را نداشته باشند، امکان‌پذیر نخواهد بود.
- ثانیاً در خصوص خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هم در صورتی که دو شرط موجود باشد دولت از جبران زیان و پرداخت خسارت معاف خواهد بود: اول اینکه دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آن که، آن عمل حسب ضرورت و طبق قانون برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آید. واضح است که با مفقود بودن هر یک از این دو شرط دولت ملزم به پرداخت خسارت خواهد گردید. که اثبات وجود دو شرط مذکور در دعوی مسئولیت مدنی به عهده دولت خواهد بود که در واقع مدعی علیه دعوی خسارت بوده ولی در زمینه اثبات شروط موصوف، مدعی واقع خواهد شد.

## ۲-۴ مطالعه تطبیقی قانون مسئولیت مدنی شهرداری‌ها

<sup>۱</sup> بدیهی است که در دعوی مسئولیت مدنی زیان دیده باید بتواند رابطه سببیت بین عمل زیانبار اداره و زیان وارده به خود را ثابت نماید؛ چون در غیر این صورت از دعوی خود طرفی نخواهد بست. موضوعی که در همین زمینه باید به آن اشاره شود این است که امروزه در خصوص خسارات ناشی از دادرسی که بنا به عقیده‌ی اکثر حقوق دانان از عمده‌ترین اعمال حاکمیت به شمار می‌رود، چنانچه زیان دیده بتواند تقصیر و یا اشتباه قاضی در زمینه اضرار به خود را ثابت نماید، بنابر اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی، خواهد توانست زیان وارده به خود را مطالبه نماید. لذا باید گفت که این امر تأسیسی جدید و مترقی در حقوق ایران محسوب می‌شود.

با توجه به اینکه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی در حوزه محلی مبادرت به ارائه خدمات عمومی می‌نماید بنابراین، بر اساس وظایف محوله در قانون شهرداری و سایر قوانین و مقررات، مسئولیت مدنی شهرداری در کنار مسئولیت مدنی دولت و در شکل مسئولیت ناشی از فعل غیر بحث می‌گردد. مبنای مسئولیت شهرداری در هر سه نظام حقوقی ایران، انگلستان و فرانسه، همان مبنای مسئولیت مدنی دولت می‌باشد، منتها این مبنا در هریک از نظام‌های حقوقی مورد بحث، علاوه بر اشتراکات، دارای وجوه افتراقی نیز می‌باشد. که در ادامه بیشتر بدان پرداخته می‌شود.

### الف) نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران مسئولیت مدنی شهرداری ذیل عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش نخست ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته: "کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد کنند شخصا مسئول جبران خسارت وارده هستند...". بموجب این مقرر، اصل اولیه، مسئولیت مدنی شخصی کارمند شهرداری خواهد بود نه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی.

همچنین مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۴۷-۲۹/۱۰/۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر به اینکه یکی از شرایط برقراری مسئولیت مدنی، وجود تقصیر است، لذا در اینگونه موارد به عنوان مقدمه صدور حکم به جبران خسارت، باید وجود تقصیر و تخلف و ورود خسارت احراز گردد و سپس دادگاه میزان خسارت را تشخیص دهد و حکم به جبران آن صادر نماید که احراز تخلف مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری<sup>۱</sup>، بر اساس تبصره ماده مرقوم برعهده دیوان است.

<sup>۱</sup> ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری:

صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و

سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها

ب - تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها

### ب) نظام حقوقی انگلستان

در حقوق انگلستان، دو راه برای فرض مسئولیت مدنی در نظر گرفته است (فریدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۲۱۴). راه اول این است که یک سازمان ممکن است همانند شخص حقیقی، برای ارتکاب مسئولیت مدنی و آثار معمول آن (جبران خسارت) مسئول باشد (چارلزورث و مورس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱: ۱۸۴) و دومین راه مناسب برای این که یک سازمان در حقوق انگلیس دارای مسئولیت مدنی باشد، یافتن "مسئولیت ناشی از فعل دیگری" یا مسئولیت نیابتی است (هاروی و مارسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) که هرگاه مسئولیت نیابتی اثبات می‌شود، بحث اهلیت شرکت مورد لحاظ واقع می‌شود، و جایی که مسئولیت مدنی مرتبط با اهلیت شرکت نیست، افراد و سازمان مشترکا در قبال زیان دیده نسبت به زیان وارده مسئول هستند (استینفیلد و ریچته<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴۹). بنابراین به موجب قانون شهرداری مصوب ۱۹۸۳ انگلستان مقرر گردیده است که اگر مأمور شهرداری بی‌آنکه در حال ارایه یک خدمت عمومی یا انجام وظیفه خود باشد، به دیگری زیان وارد کند، شخصا مسئول است، زیرا هیچ رابطه‌ای میان ضرر و عمل اداری برقرار نمی‌گردد (بلاچی و اوتمان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹: ۳۴).

### ج) نظام حقوقی فرانسه

در قانون مدنی فرانسه نیز، روی هم رفته پنج ماده به مسئولیت مدنی ناشی از جرم اختصاص یافته است (تورنووا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱: ۱۰۳) و تقصیر، مبنای واحد این موضوع را فراهم می‌آورد (وینی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵)؛ که عنصر تقصیر را به عنوان معیار اصلی مسئولیت به رسمیت شناخته است (بکاچه-گیبیلی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷: ۲۰۵). ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه در این خصوص عنوان کرده: "هر عمل

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

<sup>۱</sup> Fridman

<sup>۲</sup> Charlesworth & Morse

<sup>۳</sup> Harvey & Marston

<sup>۴</sup> Steinfeld & Ritchie

<sup>۵</sup> Blachly & Otoman

<sup>۶</sup> Tourneau

<sup>۷</sup> Viney

<sup>۸</sup> Bacache-Gibeili

انسان که به دیگری زیان برساند کسی را که بر اثر تقصیر او زیان به بار آمده است ملزم به جبران خسارت ناشی از زیان خواهد شد". بنابراین مسئولیت مدنی مطابق این ماده و سایر مواد قانونی فرانسه مبتنی بر عنصر تقصیر است. بنابراین، در نظام حقوقی فرانسه خطای اداری از تقصیر شخصی تفکیک شده است، بنابراین خروج مأمور شهرداری از حدود وظایف اداری خود به عنوان تقصیر شخصی تلقی می‌گردد.

### بحث و نتیجه‌گیری

ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی ایران، انگلستان و فرانسه در هر چند در ظاهر تفاوت‌هایی دارند، اما به لحاظ ماهیت تشابهات آنها با یکدیگر بیش از تفاوت‌هایی است که دارند. در حقوق انگلستان، بر خلاف حقوق ایران، عمد و بی احتیاطی دو موجب مستقل برای دعاوی مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند. با این وجود همانطور که بیان شد برخی اندیشمندان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی احتیاطی) را تحت یک عنوان "مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر" در نظر گرفته‌اند. در مفهوم مسئولیت‌های بدون تقصیر هم تفاوت‌های بارزی بین حقوق ایران و انگلستان وجود نداشته و در هر دو نظام، بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند. همین امور بر نزدیکی و شباهت دو نظام حقوقی صحه می‌گذارد و بیان می‌دارد که هرچند حقوق انگلستان نظامی کامن لایی محسوب می‌شود و حقوق ایران را باید از نظام‌های سیویل لایی دانست، اما مفهوم عدالت و جبران زیان‌های ناروا در تمامی سیستم‌های حقوقی یکی است و تمام نظام‌های موجود برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند.

از سوی دیگر اما در پی توسعه تلاش‌ها برای توجه بیشتر نظام‌های حقوقی به اصل جبران کامل خسارت، شاهدیم که موجبات گسترش مسئولیت‌های ناشی از عمل غیر هر چه بیشتر فراهم شده است. به شیوه‌ای که امروز به جای سخن از مسؤولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، این نظریه شکل گرفته است که هر کجا رابطه‌ی تبعیت بین اشخاص وجود داشته باشد، نه تنها تابع به جهت ارتکاب فعل زیان بار مسؤول است، بلکه متبوع نیز به دلیل اقتداری که بر تابع دارد، باید مسؤول تلقی شود؛ هرچند قرارداد کار به معنای دقیق آن نیز وجود نداشته باشد. سیری کوتاه در کتب قدیم و جدید تعهدات فرانسه به همراه برخی از آرای محاکم نشان می‌دهد که در حقوق فرانسه مسؤولیت مزبور به رابطه‌ی کارگر و کارفرما محدود نشده است، به نظر می‌رسد در اذهان اندیشمندان فرانسوی این امر خطور نموده است که هر شخصی که بر دیگری اقتدار داشته

باشد، باید پاسخگوی اعمال وی نیز باشد. در حقوق ایران چنین امری در ماده‌ی ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی مطرح شده است، اما در عین حال می‌توان چنین استدلال نمود که خصوصیتی در روابط کارگر و کارفرما نبوده و در حقوق ایران نیز طرح این مسؤولیت امکا نپذیر است. به دیگر سخن می‌توان این قاعده را در حقوق مسؤولیت مدنی بنا نهاد که هر شخصی که بر فعالیت دیگری اقتدار و کنترل دارد، مسؤولیت ناشی از اعمال وی را نیز باید متحمل گردد؛ زیرا اقتدار و مسؤولیت مستلزم همدیگر می‌باشند. بنابراین می‌توان از نظر قانونگذاری در اصلاح قانون مسؤولیت مدنی ایران انتظار داشت که به جای مسؤولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، نظریه‌ی مسؤولیت متبوع به جهت عمل تابع مطرح گردد. هم چنین در عمل نیز محاکم می‌توانند در صورت احراز رابطه‌ی تبعیت، متبوع را مسؤول عمل تابع بدانند؛ هم چنان که تاوان داشتن اقتدار بر دیگری داشتن مسؤولیت ناشی از اعمال وی می‌باشد. در خصوص مسؤولیت مدنی شهرداری باید به این سوال پاسخ داد که آیا می‌توان به رابطه تبعیت میان شهرداری به عنوان یک نهاد حوزه عمومی و کارمندان آن برقرار کرد یا خیر؟

در حقوق ایران مسؤولیت مدنی شهرداری ذیل عنوان مسؤولیت ناشی از فعل غیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش نخست ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی مقرر داشته: "کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد کنند شخصا مسئول جبران خسارت وارده هستند...". بموجب این مقرر، اصل اولیه، مسؤولیت مدنی شخصی کارمند شهرداری خواهد بود نه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی. همچنین مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۴۷-۲۹/۱۰/۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر به اینکه یکی از شرایط برقراری مسؤولیت مدنی، وجود تقصیر است، لذا در اینگونه موارد به عنوان مقدمه صدور حکم به جبران خسارت، باید وجود تقصیر و تخلف و ورود خسارت احراز گردد و سپس دادگاه میزان خسارت را تشخیص دهد و حکم به جبران آن صادر نماید که احراز تخلف مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری<sup>۱</sup>، بر اساس تبصره ماده مرقوم برعهده دیوان است یعنی

<sup>۱</sup> ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری:

صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها

چنانچه دیوان تصمیم بگیرد که تقصر بر عهده شهرداری به عنوان یک نهاد حوزه عمومی است شهرداری مسئولیت خواهد داشت در غیر این صورت مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کارمند شهرداری مقصر خواهد بود اما در حقوق انگلستان، دو راه برای فرض مسئولیت مدنی در نظر گرفته‌است (فریدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۲۱۴). راه اول این است که یک سازمان ممکن است همانند شخص حقیقی، برای ارتکاب مسئولیت مدنی و آثار معمول آن (جبران خسارت) مسئول باشد (چارلزورث و مورس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱: ۱۸۴) و دومین راه مناسب برای این که یک سازمان در حقوق انگلیس دارای مسئولیت مدنی باشد، یافتن "مسئولیت ناشی از فعل دیگری" یا مسئولیت نیابتی است (هاروی و مارسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) که هرگاه مسئولیت نیابتی اثبات می‌شود، بحث اهلیت شرکت مورد لحاظ واقع می‌شود، و جایی که مسئولیت مدنی مرتبط با اهلیت شرکت نیست، افراد و سازمان مشترکا در قبال زیان دیده نسبت به زیان وارده مسئول هستند (استینفیلد و ریچته<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴۹).

بنابراین به موجب قانون شهرداری مصوب ۱۹۸۳ انگلستان مقرر گردیده است که اگر مأمور شهرداری بی آنکه در حال ارایه یک خدمت عمومی یا انجام وظیفه خود باشد، به دیگری زیان وارد کند، شخصا مسئول است، زیرا هیچ رابطه‌ای میان ضرر و عمل اداری برقرار نمی‌گردد (بلاچی و اوتمان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹: ۳۴). در حقوق فرانسه اما همان طور که در ابتدای این بخش آمد چنانچه بتوان رابطه تبعیت میان شهرداری و کارمندان شهرداری را اثبات کرد می‌توان نهاد شهرداری را نیز در صورت بروز خسارت مسئول دانست. در حالی که در قوانین ایران و انگلستان چنین امکانی وجود ندارد و به عبارت دیگر به صراحت در خصوص مسدولیت مدنی متبوع از تابع چیزی گفته نشده است. در نتیجه به نظر می‌رسد از آنجایی که معمولا رابطه تبعیت در شهرداری در بسیاری از موارد خسارات ناشی از عمل کارمندان شهرداری وجود دارد قانون مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در فرانسه به عدالت نزدیکتر از ایران و انگلستان است.

ب - تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

<sup>۱</sup> Fridman

<sup>۲</sup> Charlesworth & Morse

<sup>۳</sup> Harvey & Marston

<sup>۴</sup> Steinfeld & Ritchie

<sup>۵</sup> Blachly & Otoman

## منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی دولت، تحولات حقوق خصوصی، زیر نظر ناصر کاتوزیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۸۰). حقوق اداری ایران، نتهران: نشر توس.
۳. امین فر، رحمت الله، (۱۳۷۲). مسئولیت مدنی، مجله حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۴۵۷.
۴. بادینی، حسن، (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. باریکلو، علیرضا، (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ چهاردهم.
۶. پناهنده، علی محمد. (۱۳۸۵). تحلیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مجله دادرسی، شماره ۵۷، ص ۳۶-۳۹.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. داراب پور، مهران، (۱۳۸۷). اصول کلی مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، فصل نامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۷.
۹. ذوقیان، سعید، (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی ناشی از ساخت و ساز شهرداری و سازندگان مسکن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۱۰. زرگوش، مشتاق، (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن، تهران: انتشارات جنگل (جاودانه).
۱۱. سپهوند، امیر، (۱۳۵۳). مسئولیت مدنی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۸، ص ۱۴۷.
۱۲. السنهوری، الوسیط، (۱۹۶۴ م). منشورات الجلی الحقوقیه، جلد دوم، بیروت: لبنان.
۱۳. شرنک، نسرين، (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی سازندگان سازه‌های ساختمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۴. شریفی، محسن و حبیب زاده، محمدجعفر و عیسایی تفرشی، محمد و فرجیها، محمد، (۱۳۹۲). انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۶، ص ۵۸.
۱۵. شفیع، ابودر، (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران و فقه امامیه، تهران: انتشارات آریان قلم.
۱۶. صفار، محمدجواد، (۱۳۹۰). شخصیت حقوقی، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ اول.
۱۷. صفایی، سیدحسین. رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
۱۸. عمید، حسن، (۱۳۷۵). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۹. غروری، شهاب الدین. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۰. قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۶). مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
۲۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. مدنیان، غلامرضا، (۱۳۹۳). مبانی مسئولیت مدنی شهرداری در جبران خسارات شهروندان، روزنامه حقوقی و قضایی حمایت، کد خبر ۷۹۵، مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۳، ص ۲.
۲۶. مراد خانی، فردین و اسفندیاری، حسین. (۱۳۸۸). مبانی مسئولیت مدنی دولت در پرتو قوانین ایران. مجله گفتمان حقوقی، شماره ۱۵، ص ۴۷.
۲۷. میرداداشی، سیدمهدی. (۱۳۹۲). مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۷، ۱۲۱.
۲۸. هاشمی، محمد. (۱۳۸۶). حاکمیت نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات میزان.
۲۹. یزدانیان، علیرضا، (۱۳۹۱) نظریه عمومی مسؤولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۱
۳۰. یزدانیان، علیرضا، (۱۳۷۹). حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی، تهران: نشر آیلار.

#### الف) منابع خارجی

1. Bacache-Gibeili Mireille, (2007). Droit civil. Les obligations. La responsabilité civile extracontractuelle. T.5. 1é.éd. Economica.
2. Blachly, F. Fredrick & Otoman, Miriam, (2009), Approches to the Governmental Liability in Tort: A Comparative Survey, EJIL, No.69, Issue, 4, Pp. 335-462.
3. Charlesworth & Morse, (1991). Company law, 14th ed, London, Sweet & Maxwell /Stevens, London.
4. Fridman, G.H.L (1999), Torts, London, Water Low Publishers.
5. Harvey, Barbara and Johnn Marston (2000), Cases and Commentary on Tort, London, Pearson Education Limited.
6. Steinfeld Mann Alan & Richard Ritchie, (2007). Blackstone's Guide to the Companies Act 2006, Oxford University Press, London.
7. Tourneau, Philippe, (2011), Droit de la responsabilité et des contrats, Dalloz, 8é.éd.
8. Viney, Geneviève, (1995), Traité de droit civil, Introduction à la responsabilité, librairie générale de droit et de jurisprudence, 2é.éd.